

# گفتگو باصاقد طباطبائی کنفدراسیون درس خواندن را خیانت به انقلاب می دانست



گزارش به مجمع عمومی سازمان بعضی از اعضا اعتراض کردند و گفتند طباطبائی خلاف مشی کنفدراسیون، قصد مذهبی کردن جشن را داشته و باید از سازمان غرضخواهی بکند. من ششم خرداد شهر تریئر TRIER آلمان شرکت کردم. او با من آشنا شد و مرا دعوت کرد که ۴ ماه دیگر در کنفرانسی از کنفدراسیون مسلمان ایرانی در شهر تریئر TRIER آلمان شرکت کنم.

۴ ماه بعد با تعدادی از برادران کنفدراسیون آلمان سخن با هم در تریئر رفتم و در آنجا در گفتگو با هم در تریئر سابقه آشنائی قبلی هم با شهید بهشتی داشتند؟

در سالهای ۱۳۳۵-۱۳۳۷ در قم ساگرد ایشان بودند و او رئیس دبیرستان دین و دانش بود و به هم می داد. زبان انگلیسی نه در آن الهه یک بار هم ایشان را در مسجد هاشمورگ و به هنگام ورودشان دیده بودم اما صحبتی من ما در این مورد نبود. فقط جهت خیرمقدم، دیدار خیلی کوتاهی بود.

اما این بار آقای بهشتی به کنفرانسیون آمده بود که حدود ۳۰۰ دانشجوی مسلمان ایرانی در آن شرکت داشتند. این کنفرانس نشستی و گرد هم آمدن چهارم اتحادیه انجمن های دانشجویان فارسی زبان بود.

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان، گروه فارسی زبان هم عضو کنفدراسیون بود؟

تخیر.

یک سازمان دانشجویی وقتی می خواست شکل بگیرد باید خودش را به لحاظ حقوقی به ثبت می رساند. یعنی باید عضو اتحادیه صنفی و بین المللی دانشجویان می شد تا مشروعیت داشته باشد. این دو سازمان دانشجویی بین المللی صنفی وجود داشت یکی به نام «یوسو» که بیشتر سازمان های دانشجویی به عضو آن بودند و یکی مرکزتری هم در عراق بود و یک سازمان هم تحت نفوذ امپریالیست ها بود. هر شکل دانشجویی باید در یکی از این دو سازمان عضویت می گرفت. کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مشروعیتش را از سازمان اول گرفته بود. عضویت در آن سازمان ها یک شرط اساسی داشت و این که سازمان دانشجویی داوطلب باید بتواند اثبات کند که زبان رسمی سازمان دانشجویان داخل کشور خودش است.

زمانی که افرادی درصدد تأسیس کنفدراسیون دانشجویان ایرانی بودند، باید اثبات می کردند که سخنگوی دانشجویان دانشگاه های ایران هستند. در سالهای ۱۳۳۶-۱۳۳۹ حزب تشکیلات دانشجویی وابسته به خود در خارج از کشور، از سازمان خود در خارج از کشور، وقتی که ورود چین به صحنه سیاست بین المللی مداخلات را عوض کرد و جمهوری چیه هم نفوذ بیشتری پیدا کرد، توده های ما در تریئر و در آنجا، در سال ۱۳۳۳ اعضای جنبه ملی فعال در کنفدراسیون دانشگاه تهران تماس گرفتند تا حزب توده را در برآی کوهان بکنند.

این بود که از دانشگاه تهران ابوالحسن بنی صدر به عنوان نماینده دانشجویان به اروپا آمد و در آنجا به برآی رفت و نامه دانشجویان دانشگاه تهران را آورد

دکتر سجانی، آیت الله طالقانی و دکتر شیبانی و نشریات ایده نولوژیک شرکت سهامی انتشار و بخشهای انجمن اسلامی مهندسین برای ما می آمد اما اینها هیچ وقت کافی نبود. با آغاز فعالیت های فرهنگی در تریئر و شهید مطهری و از همه مهمتر طرح میاجت و آندیشه سیاسی امام خمینی که مرجعیت را به زعامت دینی و سیاسی ارتقاء داد، انجمن اسلامی دارای توانمندی فزاینده شد. به نام هیئت و کمیته که در سال ۱۳۵۰ کار ادیسی در شمال آلمان رواج پیدا کرد مشه به بیماری یرقان، روزنامه های صهیونیستی تبلیغ کردند که علت رواج این بیماری، ترک های مسلمان هستند که در کارخانجات موادغذائی نیترا مصرف می کنند و پدانشان را رعایت نمی کنند و به همین بهانه به احکام طهارت در اسلام حمله کردند.

اینجا جایی بود که انجمن اسلامی باید به میدان می آمد و خیلی زود توانست با بسیج کردن مجموع واحد ها و صدور بیانیه های بی دربی و بی چنگ مراجع حقوقی و سیاسی به جنگ این روزنامه های صهیونیستی برود. در مدت خیلی کوتاهی توانستیم ورق را برگردانیم، حتی اقامه دعوا در دادگستری کردیم به طوری که گزارش مرکزی اداره کارایی آلمان رسماً از کارگران مسلمان غرضخواهی کرد و گزارش این ماجرا من برای امام به تریئر برسد و ایشان در یکی از سخنرانی های شان که دو، سه هفته پیش از آن گزارش ایران شد، به این مطلب اشاره کردند و آن را بسیار ستودند.

گفتند یک جنجالی جنودت پیش از آن در آلمان راه انداخت و جوانان مسلمان تلاش کردند که این را خنثی کنند (کوزما جلد اول، صفحه ۲۴۹-۲۴۸؛ دفتر نشر آثار امام). با گسترش فعالیت های اعتقادی و سیاسی انجمن های اسلامی، دانشجویان ایرانی که قصد تحصیل به اروپا می دادند دیگر هرز نمی رفت و عقاید اسلامی ای در دست نمی داد و از احاطه فکری بارور می شد. ظاهراً اختلافاتی هم درباره درس خواندن بین نیروهای مذهبی و اغلب کنفدراسیون ها وجود داشت شرط مابرای اعضای انجمن این بود که در وهله اول باید دردمشمان را بخوانند، چون قرار نیست برای همیشه در خارج بمانند. میدان مارزه ایران است.

برخلاف شعار کنفدراسیون که درس خواندن را خیانت به انقلاب می دانست ما معتقد به خوب تحصیل کردن بودیم فعلاً ان کنفدراسیون می گفتند اگر شما درس خواندید و مهندس شدید باید بروید در یک کارخانه کار کنید. کارخانه شما در سرمایه دار است بنابراین شما در خدمت امپریالیسم قرار می گیرید. اما ما این شعار را از عراقی می دانستیم آن غیره که اعتقاد داشتیم که انجمن های اسلامی باید در انقلاب به کشور بازگردند، قبل از انقلاب به کشور بازگردند، با قدرت تحلیل و تبیین عقیدت و با قدرت فعالیت های دگر شریعی و آمدن شهید مطهری از قم به داخل و اردن مسائل عقیدتی در قالب مسائل سیاسی روز و انتشار جزوه ها در این موارد، وضع فکری دانشجویان در اروپا بهتر شد. البته آثار مهندس بازگان،

دکتر سید صادق طباطبائی که ششمین دهه عمرش را سپری می کند، در اولین ماه های پس از پیروزی انقلاب، به اوج شهرت قرار داشت و که سالها در آلمان زندگی کرده و دانش آموخته رشته بیوشیمی است، خاطرات فراوانی از سالهای پیش از انقلاب دارد. علاوه بر دلیل آن که سخنگوی دولت موقت و معاون وزیر کشور و کاندیدای ریاست جمهوری (به عنوان رییس ابوالحسن بنی صدر) بود، کوله باری از خاطرات ماه های نخست پیروزی انقلاب را نیز به همراه دارد.

قربان ما با ۱۰ شب بود. گفتگو با او روالی نه چندان مشابه با گفتگوهای دیگر پیدا کرد و تا ۴ ساعت به طول انجامید. بخشی از گفته های او را در صفحه «زودتر» و یپاره ای دیگری در هفته های آینده در قالبی مناسب عرضه می کنیم.

طباطبائی در این قسمت، از تاریخچه فعالیت های سیاسی او در اروپا می گوید. اگر موافق باشید صحبت را به سالهای پیش از انقلاب اسلامی ببریم یعنی زمانی که شما عضو انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور بودید و در انجمن آزادی گرایش هاائی به نهضت آزادی داشتید.

من در سال ۱۳۴۰ به آلمان رفتم و بیشتر در چارچوب انجمن های اسلامی فعالیت داشتم. در سال ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ فعالیت های اسلامی را در اروپا در قالب انجمن اسلامی شروع کردم در آن زمان عمده فعالیت های دانشجویی من سازمان های دسته و گروهی است که توسط حزب توده اداره می شد متمرکز بود.

از سال ۱۳۳۰ به بعد رفته رفته نقش چیه ملی پر رنگ تر شد و مآلاً به صورت کنفدراسیون دانشجویان ایران درآمد.

مشکل حزب توده این بود که از یک طرف نمی توانست موضع اتحاد جماهیر شوروی را که در برابر رژیم پهلوی کشی و بعضاً جانبدارانه بود تحمل کند و از طرف دیگر سران و اعضای این حزب به اتحاد جماهیر شوروی و آمریکان در اروپای شرقی ناپهونده بودند. این حالت متناقض باعث شد روزبه روز مؤسسه مناسن نزد دانشجویان ضعیف تر شود. همچنین قیام مردمی خرداد ۱۳۴۲ شوروی «شورش کوز» نامیده بود و همین موضع به باعث تضعیف بیشتر توده های ما می شد.

اما از سال ۱۳۴۴ (۱۹۶۴) و ۱۳۴۵ (۱۹۶۵) انقلاب وارد عرصه بین الملل شد. انقلاب فرهنگی در چین به ثمر رسیده بود و در کشورهای امریکای لاتین هم جنبشهای مارکسیستی انقلابی با عدول از مشی روزنویستی شوروی فعالیت جدی و مسالمت آمیز داشتند.

طبیعی است که این امر برای جوانان ۲۰-۲۲ ساله پرتور، تعیین کننده بود. به همین دلیل

این نمونه ای بود از برخورد کنفدراسیون با فرهنگ ملی و اسلامی ایران از طرف دیگر، در کنفدراسیون اختلافاتی بر سر شیوه مبارزه وجود داشت عده ای به روش هوشی منته و چه گوارا اعتقاد داشتند، بعضی ها طرفدار سلوک مائوتسه تنگ در چین بودند و گروهی هم مدافع مرام مسلمانان غیرمستقیم کشورهای امریکای لاتین در چنین شرایطی که کنفدراسیون داشت، اعضای مسلمان نگاه دیگری پیدا کردند. ما می دیدیم که مرجع تقلید وقت (امام خمینی) مبارزه با رژیم را واجب عینی می دانند و در کنفدراسیون نمی شود به این طریقه عمل کرد. کنفدراسیون جای وقت تلف کرد شده بود. به همین دلیل، رفته رفته فکر تشکیل جلسات اسلامی در ذهن ما تقویت شد و بالاخره در شهر آخن، انجمن اسلامی دانشجویان را تأسیس کردیم البته در همین زمانها چند انجمن اسلامی دیگر هم در چند شهر دیگر آلمان و اتریش تشکیل شده بود که ما از آنها بی اطلاع بودیم این امر را هم اضافه کنیم که سازمان دیگری هم در اروپا وجود داشت به نام اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا که یک سازمان بین المللی بود و دانشجویان مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی، عربی و آفریقائی عضو این سازمان بودند (نام این سازمان: United Muslim Students Organisation یا مخفف MSO بود).

این سازمان گرچه اکثر افرادی از اخوان المسلمین بودند ولی در عمل شدت غیرسیاسی بود و فقط مراسم عبادی و مذهبی انجام می داد. در اکثر شهرهای آلمان و دیگر کشورهای اروپائی هم شعبه داشت، از جمله در شهر آخن که من هم عضو آنها بودم در کار این دو انجمن، یک سازمان صنفی غیرسیاسی هم در دانشگاه آخن به نام «استا» وجود داشت که در واقع از طرف کل دانشگاه مسؤول بود. رسیدگی به نیازهای صنفی دانشجویان

در سالهای ۴۵-۱۳۴۴ (۱۹۶۵-۶۶) من از طرف شورای عالی دانشجویان دانشگاه آخن به عنوان مسؤول روابط بین الملل

این سازمان گرچه اکثر افرادی از اخوان المسلمین بودند ولی در عمل شدت غیرسیاسی بود و فقط مراسم عبادی و مذهبی انجام می داد. در اکثر شهرهای آلمان و دیگر کشورهای اروپائی هم شعبه داشت، از جمله در شهر آخن که من هم عضو آنها بودم در کار این دو انجمن، یک سازمان صنفی غیرسیاسی هم در دانشگاه آخن به نام «استا» وجود داشت که در واقع از طرف کل دانشگاه مسؤول بود. رسیدگی به نیازهای صنفی دانشجویان

در سالهای ۴۵-۱۳۴۴ (۱۹۶۵-۶۶) من از طرف شورای عالی دانشجویان دانشگاه آخن به عنوان مسؤول روابط بین الملل

این نمونه ای بود از برخورد کنفدراسیون با فرهنگ ملی و اسلامی ایران از طرف دیگر، در کنفدراسیون اختلافاتی بر سر شیوه مبارزه وجود داشت عده ای به روش هوشی منته و چه گوارا اعتقاد داشتند، بعضی ها طرفدار سلوک مائوتسه تنگ در چین بودند و گروهی هم مدافع مرام مسلمانان غیرمستقیم کشورهای امریکای لاتین در چنین شرایطی که کنفدراسیون داشت، اعضای مسلمان نگاه دیگری پیدا کردند. ما می دیدیم که مرجع تقلید وقت (امام خمینی) مبارزه با رژیم را واجب عینی می دانند و در کنفدراسیون نمی شود به این طریقه عمل کرد. کنفدراسیون جای وقت تلف کرد شده بود. به همین دلیل، رفته رفته فکر تشکیل جلسات اسلامی در ذهن ما تقویت شد و بالاخره در شهر آخن، انجمن اسلامی دانشجویان را تأسیس کردیم البته در همین زمانها چند انجمن اسلامی دیگر هم در چند شهر دیگر آلمان و اتریش تشکیل شده بود که ما از آنها بی اطلاع بودیم این امر را هم اضافه کنیم که سازمان دیگری هم در اروپا وجود داشت به نام اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان در اروپا که یک سازمان بین المللی بود و دانشجویان مسلمان از کشورهای مختلف اسلامی، عربی و آفریقائی عضو این سازمان بودند (نام این سازمان: United Muslim Students Organisation یا مخفف MSO بود).

این سازمان گرچه اکثر افرادی از اخوان المسلمین بودند ولی در عمل شدت غیرسیاسی بود و فقط مراسم عبادی و مذهبی انجام می داد. در اکثر شهرهای آلمان و دیگر کشورهای اروپائی هم شعبه داشت، از جمله در شهر آخن که من هم عضو آنها بودم در کار این دو انجمن، یک سازمان صنفی غیرسیاسی هم در دانشگاه آخن به نام «استا» وجود داشت که در واقع از طرف کل دانشگاه مسؤول بود. رسیدگی به نیازهای صنفی دانشجویان

در سالهای ۴۵-۱۳۴۴ (۱۹۶۵-۶۶) من از طرف شورای عالی دانشجویان دانشگاه آخن به عنوان مسؤول روابط بین الملل

این سازمان گرچه اکثر افرادی از اخوان المسلمین بودند ولی در عمل شدت غیرسیاسی بود و فقط مراسم عبادی و مذهبی انجام می داد. در اکثر شهرهای آلمان و دیگر کشورهای اروپائی هم شعبه داشت، از جمله در شهر آخن که من هم عضو آنها بودم در کار این دو انجمن، یک سازمان صنفی غیرسیاسی هم در دانشگاه آخن به نام «استا» وجود داشت که در واقع از طرف کل دانشگاه مسؤول بود. رسیدگی به نیازهای صنفی دانشجویان

آدرس لینک به این صفحه در سایت سازمان سوسیالیست های ایران - سوسیالیستهای طرفدار راه مصدق  
www.tvpn.de/ois/ois-iran-500a.pdf